

بررسی مدل میانجی‌گری همدلی در رابطه بین اقتدارطلبی و ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی با گونه‌پرستی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

اطهره انتظاری زارچ^۱، زهرا نادری نوبندگانی^{۲*}، شکوفه دادفرنیا^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر، مسئله گونه‌پرستی و حقوق حیوانات به‌عنوان چالش‌های پیچیده و میان‌رشته‌ای در عرصه‌های مختلف علمی از جمله اخلاق، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و مطالعات جنسیتی مطرح شده‌است. این پژوهش به‌طور خاص به بررسی نقش میانجی‌گری همدلی در رابطه بین ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی و اقتدارطلبی با گونه‌پرستی در زنان و مردان پرداخت. **روش:** روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری و جامعه پژوهش شامل تمامی افراد ۱۸ تا ۷۰ سال ساکن شهر یزد در سال ۱۴۰۳ بود که حداقل مدرک تحصیلی دیپلم را دارا بودند. از این جامعه تعداد ۴۴۲ نفر (۲۲۸ نفر زن؛ ۱۹۹ نفر مرد و ۱۵ نفر ذکر نشده) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های گونه‌پرستی کاویولا (۲۰۱۹)، اقتدارطلبی محقق‌ساخته (۱۴۰۳)، جهت‌گیری سلطه اجتماعی هو و همکاران (۲۰۱۵) و همدلی دیویس (۱۹۸۳) پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از شاخص‌های برازش مدل‌سازی معادلات ساختاری، ضرایب استاندارد و همچنین روش‌های آمار توصیفی و ضرایب همبستگی استفاده شد. در نهایت برای بررسی نقش میانجی‌گری همدلی از آزمون بوت استراپ استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد، همدلی به‌عنوان متغیر میانجی، رابطه اقتدارطلبی و ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی با گونه‌پرستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ($p < 0.001$). **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند، تأثیر مهمی بر همدلی و به تبع آن نگرش‌های گونه‌پرستانه داشته باشند.

کلمات کلیدی: اقتدارطلبی، ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی، همدلی، گونه‌پرستی.

۱. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول است.

۲. استادیار مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

* نویسنده مسئول: Zahra.Naderi@yazd.ac.ir

۳. استادیار روانشناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.



Investigating the Mediating Role of Empathy in the Relationship between Authoritarianism and Dimensions of Social Dominance Orientation with Speciesism

Received: 2025/10/18 Accepted: 2026/3/10

Athareh Entezari Zarch¹, Zahra Naderi Nobandegani^{2*}, Shekoofeh Dadfarnia³

Original Article

Abstract

Introduction: In recent years, speciesism and animal rights have emerged as complex interdisciplinary challenges across various scientific domains, including ethics, social psychology, sociology, and gender studies. The present study specifically investigates the mediating role of empathy in the relationship between dimensions of social dominance orientation and right-wing authoritarianism with speciesism among women and men.

Method: This study employed a correlational design using structural equation modeling. The study population consisted of all individuals aged 18 to 70 years residing in Yazd city during the year 1403 (2024–2025) who held at least a high school diploma. A total of 442 participants (228 women, 199 men, and 15 individuals with unspecified gender) were selected through convenience sampling. Participants completed the following instruments: the Speciesism Scale (Cavalieri, 2019), a researcher-developed Right-Wing Authoritarianism questionnaire (1403), the Social Dominance Orientation scale (Ho et al., 2015), and the Interpersonal Reactivity Index (empathy) (Davis, 1983). Model fit indices, standardized coefficients, descriptive statistics, correlation coefficients, and the bootstrap method (for examining the mediating role of empathy) were employed in the analysis.

Results: The results indicated that empathy, as a mediating variable, significantly influences the relationship between right-wing authoritarianism and dimensions of social dominance orientation with speciesism ($p < 0.001$).

Conclusion: Based on the findings of this study, it can be concluded that personality traits may exert a substantial influence on empathy levels and, consequently, on speciesist attitudes.

Keywords: Right-Wing Authoritarianism, Dimensions of Social Dominance Orientation, Empathy, Speciesism.

1. Master in General Psychology, Department of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

2. Assistant Professor in counseling, Department of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

* Corresponding Author: zahra.naderi@yazd.ac.ir

3. Assistant Professor in Psychology, Department of Psychology and Educational Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

مقدمه

روابط انسان با حیوانات غیرانسانی پیچیده است. برخی از حیوانات عشق و ارادت انسان‌ها را دریافت می‌کنند در مقابل سایر حیوانات در کارخانه پرورش داده و ذبح می‌شوند تا بدن آن‌ها بتواند گوشتی را که انسان‌ها گاهی با حیوانات خانگی خود به اشتراک می‌گذارند، تأمین کند (کایولا^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). به نظر می‌رسد انسان‌ها ذاتاً خودشان را برتر از حیوانات می‌دانند و برای گونه‌های حیوانی مختلف بسته به نقش عملکردی یا فرهنگی آن‌ها برای انسان، ارزش متفاوتی قائل هستند که منعکس‌کننده منافع شخصی‌شان است. چنین مرزبندی شدید بین انسان‌ها و سایر گونه‌های حیوانی، اساس تفکر تعصب‌آمیز انسان‌ها در مورد حیوانات، رفتار مغرضانه آن‌ها با حیوانات و توجیه اخلاقی برای بهره‌کشی از انواع حیوانات را نمایان می‌کند (دونت و هادسون^۲، ۲۰۱۹).

پدیده ارزش‌گذاری اخلاقی بیشتر برای انسان‌ها نسبت به حیوانات، انسان‌محوری اخلاقی^۳ نامیده می‌شود. علت اصلی انسان‌محوری اخلاقی، گونه‌پرستی^۴ است (کایولا، ۲۰۱۹) که به معنای تبعیض قائل شدن بین موجودات بر اساس عضویت در گونه آن‌ها است (رایدر^۵، ۲۰۱۰) و به دو صورت عمده دسته‌بندی می‌شود: (۱) انسان‌ها معمولاً برای انسان‌ها بیشتر از حیوانات غیرانسانی ارزش قائل هستند؛ (۲) انسان‌ها برای بعضی از حیوانات بیشتر از بقیه حیوانات ارزش قائلند؛ در هر دو دیدگاه، وضعیت اخلاقی بر اساس گونه و عضویت آن‌ها در گروهی خاص تعیین می‌شود (کایولا و کاپرaro^۶، ۲۰۲۰). در مطالعاتی که به مبحث معضلات اخلاقی^۷ می‌پردازند، زندگی انسان‌ها در مقابل جان حیوانات قرار می‌گیرد. نتایج این مطالعات نشان داده است مردم به شدت انسان‌ها را بر حیوانات ترجیح می‌دهند (پترینوویچ^۸ و همکاران، ۱۹۹۳؛ توپولسکی^۹ و همکاران، ۲۰۱۳ و عواد^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸)، همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد قضاوت‌ها در مورد مراقبت اخلاقی از حیوانات، در رابطه با گونه‌های مختلف حیوانی بسیار متفاوت است (لیت^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹ و کایولا و همکاران، ۲۰۱۹). به طور کلی مطالعات مختلف نشان می‌دهد گونه‌پرستی شامل نوعی پیش‌داوری شبیه به نژادپرستی و جنسیت‌پرستی است که یک گروه (انسان‌ها، مردها، سفیدها، آریایی‌ها) را بر گروه‌های دیگر برتری می‌دهد (اورت^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹؛ کایولا و همکاران، ۲۰۱۹؛ پایوویچ^{۱۳}، ۲۰۲۱ و سلمن^{۱۴} و دونت، ۲۰۲۳). افرادی که نسبت به یک گروه اجتماعی تعصب دارند، به تعصب نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی نیز تمایل دارند، پدیده‌ای که به عنوان تعصب تعمیم‌یافته^{۱۵} از آن یاد می‌شود (مک‌فارنت^{۱۶}، ۲۰۱۰؛ اکرمی^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۱ و برگ و برانت^{۱۸}، ۲۰۲۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Caviola
2. Dhont & Hodson
3. Moral anthropocentrism
4. speciesism
5. Ryder
6. Capraro
7. Moral dilemmas
8. Petrinovich
9. Topolski
10. Awad
11. Leite
12. Everett
13. Pajović
14. Salmen
15. Generalized Prejudice
16. McFarland
17. Akrami
18. Bergh & Brandt

داکیت^۱ (۲۰۰۱) یک مدل دو فرآیندی از ایدئولوژی سیاسی را برای توضیح نگرش‌ها و رفتارهای تعصب‌آمیز پیشنهاد کرد. این مدل دو سیستم شناختی-انگیزشی را توصیف می‌کند: اقتدارطلبی راست‌گرا^۲ (RWA) و جهت‌گیری سلطه اجتماعی^۳ (SDO). جهت‌گیری سلطه اجتماعی، یک متغیر تفاوت فردی و ویژگی شخصیتی و نگرشی نسبت به روابط بین گروهی است که میزان ترجیح افراد بر روابط سلسله‌مراتبی و نابرابری‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. همچنین نشان می‌دهد که یک فرد تا چه حد تمایل دارد گروه خود (درون‌گروه)^۴ بر گروه بیرونی (برون‌گروه)^۵ مسلط و برتر باشد. تفاوت‌ها در جهت‌گیری سلطه اجتماعی پیش‌بین نگرش‌های تعصب‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی مختلف انسانی، از جمله مهاجران، اقلیت‌های قومی و جنسی، مردم فقیر، زنان خانه‌دار، افراد مبتلا به مشکلات سلامت روان، افراد چاق یا غیرجذاب هستند (داکیت و سیبلی^۶، ۲۰۰۷؛ وولاست^۷ و همکاران، ۲۰۲۳ و برانت، ۲۰۲۳). همچنین، شواهد متعددی از این ایده حمایت می‌کند که تعصب عمومی به حیوانات نیز گسترش می‌یابد و ارتباط مشابهی بین جهت‌گیری سلطه اجتماعی و تعصب علیه حیوانات وجود دارد (کاستو و هادسون^۸، ۲۰۱۰؛ دونت و همکاران، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶؛ جکسون و گیبینز^۹، ۲۰۱۶؛ گراسا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸؛ بکر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹؛ کاویولا و همکاران، ۲۰۱۹؛ جکسون، ۲۰۱۹؛ برانسبرگر^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱ و جیگر^{۱۳}، ۲۰۲۳).

در کنار مفهوم جهت‌گیری سلطه اجتماعی غالباً از مفهوم اقتدارطلبی راست‌گرا نیز صحبت می‌شود. اقتدارطلبی راست‌گرا از این باور سرچشمه می‌گیرد که جهان اجتماعی ذاتاً مکانی خطرناک، ناپایدار، غیرقابل پیش‌بینی و تهدیدکننده است. این جهان‌بینی خطرناک، موجب ایجاد انگیزش تضمین امنیت و ثبات جمعی از طریق حفظ اجباری نظم اجتماعی سنتی می‌شود. تمایل به همنوایی اجتماعی^{۱۴} افراد را به شناسایی نظم اجتماعی موجود و تمرکز بر تهدیدات موجود بر می‌انگیزد و آن‌ها را مستعد به ترجیح نظم، ساختار، ثبات و امنیت می‌کند. این ویژگی سازگاری اجتماعی در اقتدارطلبی راست‌گرا به عنوان ترکیبی از گشودگی کم به تجربه و وظیفه‌شناسی بالا در نظر گرفته شده است (داکیت و همکاران، ۲۰۰۲ و داکیت و سیبلی، ۲۰۰۷). بر این اساس اقتدارطلبی راست‌گرا بر دیدگاه‌های مردم در مورد محیط‌زیست و بهره‌کشی از حیوانات تأثیر می‌گذارد. به‌ویژه در جامعه‌ای که بهره‌کشی از حیوانات یک هنجار است و عمیقاً در سنت‌های فرهنگی ریشه دارد (استون^{۱۵}، ۲۰۲۳). تحقیقات قبلی (دونت و همکاران، ۲۰۱۴ و کاویولا و همکاران، ۲۰۱۹) نشان داده است که اقتدارطلبی راست‌گرا با حمایت از بهره‌کشی از حیوانات و گونه‌پرستی مرتبط است.

رابطه بین جهت‌گیری سلطه اجتماعی و اقتدارطلبی راست‌گرا با گونه‌پرستی خطی نیست و متغیرهای دیگری مانند همدلی در این رابطه اثر گذارند. همدلی درک شناختی و عاطفی از تجربه دیگران است و با این دیدگاه همخوانی دارد که دیگران شایسته شفقت و احترام هستند و ارزش ذاتی دارند (بارنت و من^{۱۶}، ۲۰۱۳). همدلی توانایی میانجی‌گری برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی، مانند همدردی، دلسوزی، و عطوفت را دارد و از طریق آن تعاون و نوع‌دوستی تسهیل می‌شود (صفاری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶). همدلی توانایی مهمی است که از آسیب به دیگران جلوگیری می‌کند، نیروی محرک رفتارهای اجتماعی است و سبب انسجام گروهی می‌شود

1. Duckitt
2. Right-Wing Authoritarianism
3. Social Dominance Orientation
4. Ingroup
5. Outgroup
6. Sibley
7. Wollast
8. Costello & Hodson
9. Jackson & Gibbins
10. Graça
11. Becker
12. Braunsberger
13. Jaeger
14. Social conformity
15. Stone
16. Barnett & Mann

(صیدی و همکاران، ۱۳۹۸). این توانایی به تعاملات انسان با انسان محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به سایر گونه‌های حیوانی تعمیم یابد (فیلیپی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰) و با نگرش مثبت نسبت به حیوانات مرتبط باشد (تیلور و سیگنال^۲، ۲۰۰۵ و ارلانگر و تسیسارف^۳، ۲۰۱۲). همچنین همدلی تمایل ذاتی به اهمیت دادن به دیگران است. بنابراین، تعجب‌آور نیست که این ویژگی به‌طور منفی با گونه‌پرستی (گراسا و همکاران، ۲۰۱۸ و کاویولا و همکاران، ۲۰۱۹) مرتبط باشد. افرادی که در جهت‌گیری سلطه اجتماعی بالا هستند از برابری حمایت نمی‌کنند و تمایل به تقویت سیاست‌های سلسله‌مراتبی دارند (داکیت، ۲۰۰۱) بنابراین، می‌توان رابطه منفی بین اقتدارطلبی راست‌گرا و جهت‌گیری سلطه اجتماعی با همدلی را پیش‌بینی کرد (نیکول و روندینگ^۴، ۲۰۱۳؛ کاویولا و همکاران، ۲۰۱۹ و استون، ۲۰۲۳).

با وجود شواهد گسترده مبنی بر وجود نگرش‌های گونه‌پرستانه در میان انسان‌ها، شناخت ما از سازوکارهای روان‌شناختی زیربنایی این نگرش‌ها هنوز محدود و ناقص است. گونه‌پرستی، نه تنها پیامدهای رفتاری و اخلاقی مهمی برای روابط میان گونه‌ای دارد، بلکه بازتابی از ساختارهای نابرابری و سلطه در سطوح گسترده‌تر اجتماعی است. در این راستا، پژوهش‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا گونه‌پرستی را در چارچوب نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی نظیر نظریه سلطه اجتماعی و اقتدارطلبی راست‌گرا تحلیل کنند؛ اما علی‌رغم پیشرفت‌های نظری و تجربی در این حوزه، همچنان شکاف‌های قابل توجهی در ادبیات علمی به چشم می‌خورد. نخست آن‌که، بسیاری از مطالعات پیشین عمدتاً در بافت‌های فرهنگی غربی انجام شده‌اند و میزان تعمیم‌پذیری آن‌ها به جوامع غیرغربی، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه با زمینه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی متفاوت، مشخص نیست. در ادبیات روان‌شناسی ایران، پژوهش‌های تجربی در زمینه گونه‌پرستی به‌طور محسوسی اندک است و بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر آن تقریباً نادیده گرفته شده است.

دوم آن‌که، نقش متغیرهای شناختی-عاطفی، به‌ویژه «همدلی»، به‌عنوان سازوکاری کلیدی در تبیین نگرش‌های بین گونه‌ای، نیازمند بررسی دقیق‌تر است. همدلی به‌عنوان یک ظرفیت روان‌شناختی بنیادی در شکل‌گیری قضاوت‌های اخلاقی و کاهش سوگیری‌های اجتماعی شناخته شده است، اما چگونگی ایفای نقش آن در رابطه میان گرایش‌های سلطه‌طلبانه و اقتدارگرایانه با نگرش‌های گونه‌پرستانه کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است.

بر این اساس، پژوهش حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری از مدل میانجی‌گری همدلی، سازوکار روان‌شناختی پیونددهنده میان اقتدارطلبی، جهت‌گیری سلطه اجتماعی و گونه‌پرستی را روشن سازد. این پژوهش نه تنها به توسعه نظری مفاهیم در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و اخلاق حیوانات کمک می‌کند، بلکه با ارائه شواهدی از یک جامعه غیرغربی (ایران)، گامی مهم در جهت غنابخشی به ادبیات تطبیقی و بین فرهنگی در این حوزه برمی‌دارد. همچنین یافته‌های آن می‌تواند زمینه‌ساز طراحی مداخلات آموزشی و فرهنگی برای ارتقاء همدلی و کاهش نگرش‌های تبعیض‌آمیز نسبت به حیوانات باشد. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا همدلی می‌تواند تأثیر ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی و اقتدارطلبی راست‌گرا بر گونه‌پرستی را میانجی‌گری کند؟

روش

پژوهش حاضر به روش همبستگی-مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری شامل افراد ۱۸ تا ۷۰ سال ساکن شهر یزد در سال ۱۴۰۳ که از تعداد دقیق آن‌ها اطلاعاتی در دسترس محققان نبود. در وهله نخست ۴۴۴ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از این تعداد ۲ نفر به صورت ناقص به سوالات پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند و حذف شدند و

1. Filippi
2. Taylor & Signal
3. Erlanger & Tsytarev
4. Nicol & Rounding

در نهایت ۴۴۲ (۲۲۸ نفر زن؛ ۱۹۹ نفر مرد و ۱۵ ذکر نشده) باقی ماندند. ملاک‌های ورود به پژوهش برای آزمودنی‌ها عبارت بودند از اینکه: ۱- ساکن شهر یزد باشند. ۲- بازه سنی ۱۸ تا ۷۰ سال باشند. ۳- حداقل تحصیلات دیپلم داشته باشند. ملاک‌های خروج عبارت بود از اینکه: ۱- بیشتر از یک درصد سؤالات را در هر پرسش‌نامه پاسخ نداده باشند.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات برای این پژوهش به دو صورت الکترونیکی و چاپی بود. تعداد ۳۸۰ پرسش‌نامه به صورت الکترونیکی و ۶۲ پرسش‌نامه به صورت حضوری جمع‌آوری شده است که در نهایت به ۴۴۴ نمونه اولیه منتهی شد. برای جمع‌آوری پرسش‌نامه به صورت الکترونیکی ابتدا لینک پرسش‌نامه‌های پژوهش به صورت آنلاین از طریق پیام‌رسان‌های مختلف داخلی و خارجی در فضای مجازی (اینستاگرام، تلویتر، تلگرام و ایتا) و همچنین از طریق پیامک ارسال شد. پژوهشگر در قالب لینک ارسالی شرایط ورود و چگونگی تکمیل هر یک از پرسش‌نامه‌ها را توضیح داد. به طوری که از شرکت‌کنندگان درخواست شد مطابق با دستورالعمل و با صداقت پاسخ دهند. برای جلب اعتماد افراد به آن‌ها اطمینان داده شد که پاسخ‌هایشان بدون نام، ثبت می‌شود و کاملاً محرمانه است و اصل رازداری به طور کامل اعمال می‌شود. همچنین توضیح داده شد که این پژوهش مربوط به هیچ ارگان دولتی یا خصوصی نیست، اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت گروهی تحلیل می‌شود و صرفاً به منظور انجام کار پژوهشی استفاده خواهد شد. برای بالا بردن انگیزه شرکت در پژوهش، اطلاع‌رسانی شد که به ده نفر از شرکت‌کنندگان به قید قرعه مبلغ ۱۰۰ هزار تومان تقدیم می‌شود و کسانی که تمایل داشتند می‌توانستند ایمیل خود را جهت اطلاع‌رسانی در پایان پرسش‌نامه‌ها بنویسند. پس از گردآوری داده‌های پرسش‌نامه‌ای، برای اطلاع از شاخص‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان و شاخص‌های توصیفی متغیرها (میانگین-انحراف استاندارد)، ضرایب همبستگی، شاخص پایایی ابزارها و تحلیل عامل اکتشافی از نرم‌افزار SPSS-26 و برای انجام تحلیل عامل تأییدی (مدل اندازه‌گیری)، تحلیل مدل ساختاری، تحلیل گروهی چندگانه از نرم‌افزار Amos-24 استفاده شد. شاخص‌های ارزیابی برازش مدل شامل χ^2 بر درجه آزادی، GFI, IFI, NFI, RMSEA, TLI, CFI و Pratio بود.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه گونه‌پرستی: پرسش‌نامه گونه‌پرستی (۲۰۱۹) توسط کاویولا برای اندازه‌گیری نگرش‌های گونه‌پرستانه تهیه شد. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۶ ماده است و در مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از "۱= کاملاً مخالفم" تا "۷= کاملاً موافقم" قرار دارد. سؤال شماره ۵ این پرسش‌نامه نمره‌گذاری معکوس دارد. نمره بالاتر افراد در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده وجود نگرش‌های گونه‌پرستانه است. محدوده نمرات این پرسش‌نامه بین ۶ تا ۴۲ است. کاویولا (۲۰۱۹) طی اعتباریابی پرسش‌نامه گونه‌پرستی نمره کل آلفای کرونباخ را ۰/۸۱ گزارش داد. در پژوهش وزیریان و بگ^۱ (۲۰۲۳) روایی این پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت و آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین در پژوهش باناخ و استل^۲ (۲۰۲۴) روایی پرسش‌نامه گونه‌پرستی تأیید و آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد. پایایی پرسش‌نامه گونه‌پرستی در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرونباخ ۰/۵۷ به دست آمد و روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عامل تأییدی نیز مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

1. Vezirian & Bègue

2. Banach & stel

ب) پرسش‌نامه اقتدارطلبی: پرسش‌نامه اقتدارطلبی یک پرسش‌نامه ۱۶ سوالی است که توسط محققان با اقتباس از پرسش‌نامه اقتدارطلبی صحرایی (۱۳۹۱) ساخته شد و شامل سه خرده‌مقیاس سلطه‌پذیری اقتدارطلبانه^۱ (سوالات ۱ تا ۵)، پرخاشگری اقتدارطلبانه^۲ (سوالات ۶ تا ۱۱) و عرف‌پرستی^۳ (سوالات ۱۲ تا ۱۶) است. صحرایی (۱۳۹۱) این پرسش‌نامه را بر اساس پرسش‌نامه اقتدارطلبی راست‌گرای آلت‌میر^۴ (۱۹۸۱) طراحی کرده است که در آن، اقتدارطلبی بر اساس خصوصیات روانی سنجیده می‌شود، بدون اینکه نوع جامعه (چپ یا راست) تأثیرگذار باشد. برای طراحی نسخه اصلی این پرسش‌نامه، که شامل ۲۶ سوال است، از ترکیب سه پرسش‌نامه استفاده شد: ۱) نسخه اصلی مقیاس اف آدورنو^۵ و همکاران (۱۹۵۰)، ۲) مقیاس اف چپ‌گرا ساخته کوهن^۶ (۱۹۷۲)، و ۳) مقیاس اف هنجار شده در ایران. آیتم‌های این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای (=۱ کاملاً موافقم تا ۶ کاملاً مخالفم) رتبه‌بندی شده‌اند و محدوده نمرات آن بین ۱۶ تا ۹۶ قرار دارد. نمره بالا در این پرسش‌نامه به معنای اقتدارطلبی بیشتر و نمره پایین به معنای اقتدارطلبی کمتر است. در پژوهش صحرایی (۱۳۹۱)، پایایی نسخه اصلی این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین، روایی محتوای این پرسش‌نامه از طریق بررسی اساتید و متخصصان حوزه روان‌شناسی اجتماعی تأیید شد که در نهایت منجر به پرسش‌نامه ۱۶ ماده‌ای شد. پایایی پرسش‌نامه اقتدارطلبی در پژوهش حاضر ۰/۸۰ به دست آمد و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

ج) پرسش‌نامه جهت‌گیری سلطه اجتماعی: پرسش‌نامه جهت‌گیری سلطه اجتماعی هو و همکاران (۲۰۱۵)، برای سنجش میزان تمایل افراد جهت تسلط گروه خودی بر گروه‌های غیرخودی است. این مقیاس شامل ۱۶ ماده است و در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از "۱= کاملاً مخالفم" تا "۷= کاملاً موافقم" قرار دارد. برای این پرسش‌نامه دو بعد در نظر گرفته شده است: ۱. سلطه‌طلبی ۲. مخالفت با برابری. همچنین این پرسش‌نامه دارای چهار خرده‌مقیاس: طرفداری از سلطه‌طلبی و ویژگی‌های مثبت^۷ (سوالات: ۱، ۲، ۳، ۴) طرفداری از سلطه‌طلبی و ویژگی‌های منفی^۸ (سوالات: ۵، ۶، ۷، ۸)، مخالفت با برابری و ویژگی‌های مثبت^۹ (سوالات: ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) و مخالفت با برابری و ویژگی‌های منفی^{۱۰} (سوالات: ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) است. از مجموع خرده‌مقیاس‌های طرفداری از سلطه‌طلبی و مخالفت با سلطه‌طلبی (سوالات این بعد معکوس می‌شوند)، بعد سلطه‌طلبی و از مجموع خرده‌مقیاس‌های مخالفت با برابری و موافقت با برابری (سوالات این بعد معکوس می‌شوند) بعد مخالفت با برابری بدست می‌آید. محدوده نمرات این پرسش‌نامه بین ۱۶ تا ۱۱۲ است؛ نمره بالا به معنای سلطه‌طلبی بالا و نمره پایین به معنای سلطه‌طلبی کمتر است. پایایی ابزار سلطه اجتماعی در پژوهش حاضر از طریق روش آلفای کرونباخ آزمون گردید و برای مؤلفه طرفداری از سلطه‌طلبی ۰/۷۲ و مخالفت با برابری ۰/۸۰ به دست آمد. پایایی کل ابزار نیز ۰/۸۳ به دست آمد که در مجموع قابل قبول بود. همچنین روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

د) پرسش‌نامه همدلی: در این پژوهش به منظور سنجش همدلی از پرسش‌نامه همدلی دیویس (۱۹۸۳) استفاده شد. این ابزار در ایران توسط قربانی (۲۰۰۳) ترجمه و اعتباریابی شده است. این پرسش‌نامه دارای ۲۱ گویه و ۳ خرده‌مقیاس است. خرده‌مقیاس‌ها

1. Authoritarian Submission
2. Authoritarian Aggression
3. Conventionalism
4. Altemeyer
5. Adorno
6. Kohn
7. Pro-trait dominance
8. Con-trait dominance
9. Pro-trait anti-egalitarianism
10. Con-trait anti-egalitarianism

شامل: نگرانی همدلانه^۱، آشفتگی شخصی^۲ و دیدگاه‌گرایی^۳ است. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای "۱= کاملاً موافق تا ۵= کاملاً مخالف" رتبه‌بندی شده است. برای به‌دست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، مجموع امتیازات تک تک سؤالات باهم محاسبه می‌شوند. امتیازات بالاتر، نشان‌دهنده همدلی بیشتر در فرد پاسخ‌دهنده و برعکس خواهد بود. محدوده نمرات این پرسش‌نامه بین ۲۱ تا ۱۰۵ قرار دارد. پایایی پرسش‌نامه همدلی در پژوهش دیویس با آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمده است. همچنین روایی پرسش‌نامه از طریق تحلیل عوامل مطلوب بوده است. پایایی ابزار همدلی در پژوهش حاضر از طریق روش آلفای کرونباخ آزمون گردید و برای مؤلفه دغدغه همدلانه ۰/۶۵، دیدگاه‌گرایی ۰/۶۹ و آشفتگی شخصی ۰/۷۴ و پایایی کل مقیاس ۰/۷۰ به دست آمد.

یافته‌ها

همان طور که مشاهده می‌شود در جدول شماره ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف‌معیار نمره‌های کل و زیرمقیاس‌های پژوهش آورده‌شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی‌ها

عامل کلی	زیرمقیاس	میانگین	انحراف‌معیار
گونه‌پرستی	-	۱۷/۱۱	۶/۰۷
اقتدارطلبی	سلطه‌پذیری اقتدارطلبانه	۲/۸۸	۱/۰۵
	پرخاشگری اقتدارطلبانه	۲/۹۳	۰/۸۴
	عرف‌پرستی	۳/۴۰	۰/۸۰
	نمره کل	۹/۲۲	۲/۲۷
سلطه اجتماعی	طرفداری از سلطه‌طلبی	۲۰/۰۹	۷/۸
	مخالفت با برابری‌طلبی	۲۲/۸۹	۸/۷
	نمره کل	۴۲/۹۸	۱۴/۴
	دغدغه همدلانه	۳/۸۷	۰/۵۹
همدلی	دیدگاه‌گرایی	۳/۵۵	۰/۶۲
	آشفتگی شخصی	۳/۱۴	۰/۷۱
	نمره کل	۱۰/۵۶	۱/۲۴

در ادامه در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش به عنوان یک شاخص توصیفی-استنباطی و به عنوان مقدمه‌ای بر ورود داده‌ها در ساختار مدل آورده شد.

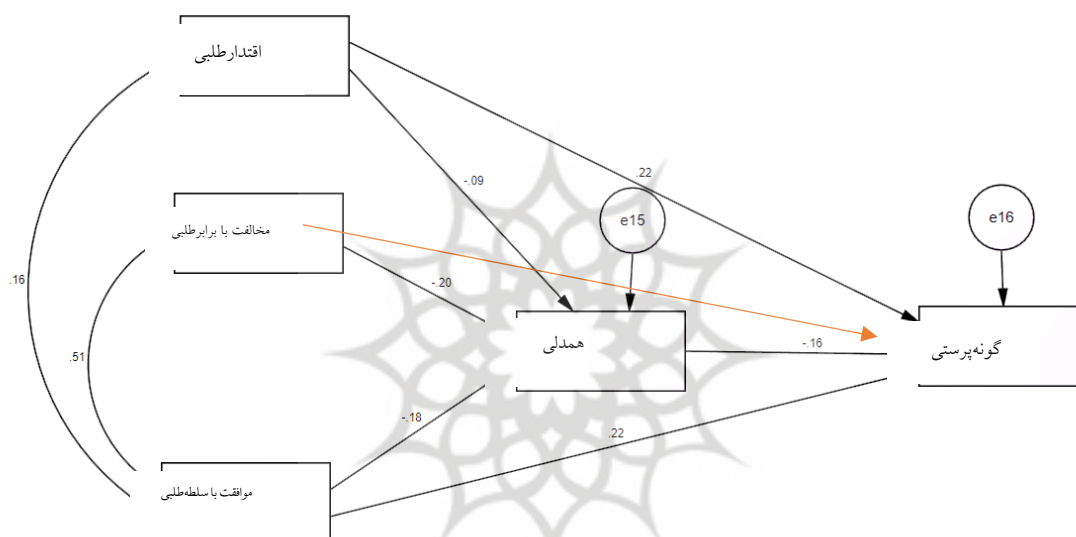
جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

۵	۴	۳	۲	۱	
				۱	۱- گونه‌پرستی
			۱	***۰/۲۲	۲- همدلی
		۱	***۰/۱۵	***۰/۲۹	۳- اقتدارطلبی
	۱	***۰/۱۰	***۰/۳۰	***۰/۲۳	۴- مخالفت با برابری‌طلبی
۱	***۰/۵۲	***۰/۲۱	***۰/۳۰	***۰/۳۱	۵- موافقت با سلطه‌طلبی

*p<۰/۰۵ **p<۰/۰۱

1. The Empathic Concern (EC)
2. The Personal Distress (PD)
3. The Fantasy (FS)

در جدول ۲ ماتریس همبستگی با ملاحظه روابط زیرمقیاس‌های سازه‌ها آورده شد. همانطور که ضرایب نشان داد بین گونه‌پرستی و همدلی ($p < 0/0001 - 0/22$) رابطه منفی و معنادار، بین اقتدارطلبی و گونه‌پرستی ($p < 0/001 0/29$) رابطه مثبت و معنادار، بین مخالفت با برابری‌طلبی و گونه‌پرستی ($p < 0/0001 0/23$) رابطه مثبت و معنادار، بین سلطه‌طلبی و گونه‌پرستی ($p < 0/001 0/31$) رابطه مثبت و معنادار، بین اقتدارطلبی و همدلی ($p < 0/001 - 0/15$) رابطه منفی و معنادار، بین مخالفت با برابری‌طلبی و همدلی ($p < 0/001 - 0/30$) رابطه منفی و معنادار، بین سلطه‌طلبی و همدلی ($p < 0/0001 - 0/28$) رابطه منفی و معنادار، بین مخالفت با برابری‌طلبی و سلطه‌طلبی ($p < 0/001 0/51$) رابطه مثبت و معنادار، بین سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی ($p < 0/001 0/21$) رابطه مثبت و معنادار، و بین اقتدارطلبی و مخالفت با برابری‌طلبی ($p < 0/03 0/10$) رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. در ادامه مدل تجربی پژوهش در مورد رابطه بین ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی و اقتدارطلبی با گونه‌پرستی از طریق نقش میانجی همدلی آورده شد.



شکل ۱. مدل بعد از اصلاح رابطه اقتدارطلبی و ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی با گونه‌پرستی: نقش میانجی همدلی مطابق با شکل ۱، مدل اصلی پژوهش حاضر که شامل هفت اثر مستقیم و سه اثر غیرمستقیم است موردآزمون قرار گرفت. نتایج مربوط به برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم و همچنین برازش مدل در ادامه آورده شد. همچنین اثر مستقیم مخالفت با برابری‌طلبی بر گونه‌پرستی که غیرمعنادار بود در راستای اصلاح مدل حذف گردید. در ادامه شاخص‌های برازندگی در جدول شماره ۳ ارائه شد.

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

شاخص	P	χ^2/df	RMSEA	GFI	CFI	TLI	IFI	RFI
اولیه (قبل از اصلاح)	0/001	10/09	0/14	0/98	0/93	0/70	0/94	0/67
نهایی (بعد از اصلاح)	0/03	3/31	0/07	0/99	0/98	0/92	0/98	0/90

مطابق با جدول ۳ و شکل ۱ وزن‌ها و شاخص‌های برازش مدل نهایی میانجی از حیث برازش مطلق، ایجازی و مقایسه‌ای مطلوب است. مدل نهایی با اعمال کوواریانس میان سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی و همچنین حذف مسیر مستقیم غیرمعنادار از مخالفت با برابری‌طلبی به گونه‌پرستی به برازش مطلوب رسید. در جدول ۵ ضرایب اثر مستقیم، غیرمستقیم، کل و سطح معناداری بین متغیرهای پژوهش آورده شد.

جدول ۴. برآورد ضرایب معیار شده اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
اقتدارطلبی ← گونه‌پرستی	***۰/۲۲	*-۰/۰۱۵	**۰/۲۳
اقتدارطلبی ← همدلی	-۰/۰۹		*-۰/۰۹
سلطه‌طلبی ← همدلی	***-۰/۱۸		**۰/۱۸
مخالفت با برابری طلبی ← همدلی	***-۰/۲۰		**۰/۲۰
مخالفت با برابری طلبی ← گونه‌پرستی	۰/۰۷	**۰/۰۳	*۰/۱۰
سلطه‌طلبی ← گونه‌پرستی	***۰/۲۲	**۰/۰۲۹	***۰/۲۵
همدلی ← گونه‌پرستی	***-۰/۱۶		**۰/۱۶

p<۰/۰۰۱ *p<۰/۰۵ *p<۰/۰۱

مطابق با جدول ۴ اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم و اثرات کل مدل پژوهش آورده شد. چنانکه نتایج نشان می‌دهد شش اثر مستقیم معنادار در مدل پژوهش بر اساس داده‌ها برقرار بود که شامل اثر اقتدارطلبی بر گونه‌پرستی (***۰/۲۲)، اثر سلطه‌طلبی بر گونه‌پرستی (***۰/۲۲)، اثر مخالفت با برابری طلبی بر همدلی (***-۰/۲۰)، اثر سلطه‌طلبی بر همدلی (***-۰/۱۸) و اثر همدلی بر گونه‌پرستی (***-۰/۱۶).

ضمن اینکه اثر مستقیم مخالفت با برابری طلبی بر گونه‌پرستی که بدون حضور متغیر میانجی معنادار بود با ورود متغیر میانجی به طور کامل غیر معنادار شد. لذا در راستای اصلاح مدل حذف گردید. نظر به نتایج آزمون بوت استرپ می‌توان گفت اثر غیر مستقیم مخالفت با برابری طلبی بر گونه‌پرستی از طریق میانجی همدلی معنادار است.

جدول ۵. نتایج بوتسترپ برای اثرات میانجی در مدل

اثر غیرمستقیم	برآورد استاندارد	حد پایین	حد بالا	Significance
سلطه‌طلبی ← گونه‌پرستی	***۰/۰۲۹	۰/۰۱۱	۰/۰۵۱	۰/۰۱
مخالفت با برابری طلبی ← گونه‌پرستی	***۰/۰۳	۰/۰۱۳	۰/۰۵۳	۰/۰۱
اقتدارطلبی ← گونه‌پرستی	*۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۳۲	۰/۰۵

مطابق جدول ۵، برآورد استاندارد اثرات غیرمستقیم، حد بالا و حد پایین اثرات غیرمستقیم و معناداری آن‌ها به تفکیک مسیرها آورده شده بود. معیار از سرگیری نمونه بوتسترپ ۲۰۰۰ و سطح اطمینان ۰/۰۵ در نظر گرفته شده بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گرایانه همدلی در رابطه میان ابعاد جهت‌گیری سلطه‌طلبی اجتماعی و اقتدارطلبی راست‌گرا با گونه‌پرستی انجام شد. در این چارچوب، تلاش شد تا با تکیه بر نظریه سلطه اجتماعی، نحوه تأثیر تفاوت‌های فردی در تمایل به سلطه و اقتدارطلبی بر نگرش‌های تبعیض‌آمیز نسبت به سایر گونه‌ها از طریق ظرفیت روان‌شناختی همدلی تبیین گردد. اهمیت این پژوهش در آن است که پیوند میان سوگیری‌های بین‌گروهی انسانی و نگرش نسبت به حیوانات را از منظر ساختارهای قدرت و سلطه بررسی می‌کند، که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که همدلی نقش میانجی معناداری در رابطه میان ابعاد جهت‌گیری سلطه‌طلبی اجتماعی و اقتدارطلبی با گونه‌پرستی ایفا می‌کند. به بیان دیگر، سطوح پایین‌تر همدلی در افراد با گرایش‌های سلطه‌طلبانه و اقتدارگرا، احتمال نگرش‌های گونه‌پرستانه را افزایش می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های کاویولا و همکاران (۲۰۱۹) و وزیریان و بگ (۲۰۲۳) هم‌راستا است که در آن‌ها نیز جهت‌گیری سلطه‌طلبی اجتماعی با نگرش منفی نسبت به حیوانات رابطه داشته است. همچنین

یافته‌های یارماکوفسکی-کوسترزانونفسکی و رادکیویچ^۱ (۲۰۲۱) نیز تأیید می‌کند که جهت‌گیری سلطه‌طلبی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده قضاوت اخلاقی در خصوص آسیب رساندن به حیوانات باشد؛ به‌طوری که افراد با گرایش سلطه‌طلبی بالا، آسیب‌رسانی به حیوانات توسط انسان‌ها را کمتر غیراخلاقی قلمداد می‌کنند. در تبیین نظری این یافته‌ها، می‌توان گفت که جهت‌گیری سلطه اجتماعی بازتاب‌دهنده یک دیدگاه سلسله‌مراتبی در ساختارهای بین‌گروهی است که نه‌تنها در روابط انسانی (دونت و همکاران، ۲۰۱۴؛ هادسون و اسس^۲، ۲۰۰۵؛ کتیلی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲؛ داکیت و سیلی، ۲۰۱۰ و سیدانیوس و پراتو، ۱۹۹۹)، بلکه در روابط میان انسان و سایر گونه‌ها نیز تسری می‌یابد (به عنوان نمونه، کاستلو^۴ و هادسون، ۲۰۱۰؛ هادسون و کاستلو، ۲۰۱۲ و هادسون و همکاران، ۲۰۱۳). گونه‌پرستی در این چارچوب به‌مثابه یک نظام اعتقادی ناعادلانه و مبتنی بر تسلط تلقی می‌شود که در آن انسان‌ها به‌عنوان گروه غالب، بهره‌برداری از سایر حیوانات را موجه می‌پندارند (جوی^۵، ۲۰۲۰ و دونت و همکاران، ۲۰۱۶).

در خصوص اقتدارطلبی راست‌گرا نیز نتایج نشان داد که اگرچه رابطه مستقیم آن با گونه‌پرستی در برخی از مطالعات پیشین (مانند کاویولا و همکاران، ۲۰۱۹) تأیید شد، اما در پژوهش حاضر اثر غیرمستقیم آن از طریق همدلی، معنادار بود. افرادی که در مقیاس اقتدارطلبی نمره بالایی کسب کردند، در شرایطی که تبعیض علیه گروه‌های فرودست توسط عرف یا سنت‌های اجتماعی پذیرفته شده است، همدلی کمتری نسبت به اعضای آن گروه‌ها—اعم از انسان‌ها یا حیوانات—نشان می‌دهند. این یافته با نتایج کاویولا و همکاران (۲۰۲۰) سازگار بود و نقش همدلی را به‌عنوان یک مکانیسم روان‌شناختی اساسی در تنظیم نگرش‌های بین‌گروهی تأیید کرد.

از دیگر یافته‌های قابل توجه پژوهش حاضر، تفاوت بین ابعاد دوگانه جهت‌گیری سلطه‌طلبی بود. با استفاده از پرسش‌نامه هو و همکاران (۲۰۱۵)، دو بعد «سلطه‌طلبی» و «مخالفت با برابری‌طلبی» به‌صورت مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که صرفاً بعد سلطه‌طلبی با گونه‌پرستی رابطه مستقیم دارد، در حالی که بعد مخالفت با برابری‌طلبی فاقد چنین ارتباطی بود. این یافته با برخی پژوهش‌های پیشین در فرهنگ‌های غربی (مانند گراسا و همکاران، ۲۰۱۸؛ استون، ۲۰۲۳) که هر دو بعد را مرتبط می‌دانستند، متفاوت بود. به‌نظر می‌رسد زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خاص جامعه ایران، در شکل‌گیری این نتایج مداخله داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که تبیین نگرش‌های سلطه‌طلبانه در جوامع مختلف، نیازمند در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی و هنجاری بومی آن مناطق است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر فرهنگ محافظه‌کاری در شهر یزد و بحث‌برانگیز بودن آیت‌های پرسش‌نامه‌های اقتدارطلبی و ابعاد جهت‌گیری سلطه اجتماعی بود که می‌تواند به عدم صداقت در پاسخ به این پرسش‌نامه‌ها منجر شود. هر چند پژوهشگر بارها برای شرکت‌کنندگان توضیح داده است که این پژوهش علمی است و پاسخ‌ها کاملاً محرمانه و ناشناس خواهند ماند، همچنین اتکا به ابزار پرسش‌نامه‌های خودگزارشی برای جمع‌آوری داده‌ها که این روش ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی یا اجتماعی پاسخ‌دهندگان قرار گیرد و نتایج را تحت الشعاع قرار دهد. در مجموع، این یافته‌ها به درک بهتر نقش همدلی در رابطه میان جهت‌گیری سلطه اجتماعی، اقتدارطلبی و گونه‌پرستی کمک می‌کند و مبنای خوبی برای تحقیقات آینده در این زمینه فراهم می‌آورد. این پژوهش به روشن‌تر شدن تعامل پیچیده میان این متغیرها و تأثیرات میانجی‌گری در این رابطه کمک کرده و می‌تواند به توسعه نظریه‌های مرتبط و بهبود مداخلات برای کاهش گونه‌پرستی منجر شود. پیشنهاد می‌شود از آنجایی که فرهنگ، تأثیر مهمی بر متغیرهای انتخابی در این پژوهش داشت، در شهرهای دیگر و بر روی فرهنگ‌های متفاوت انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی متغیر نوع‌دوستی را به عنوان جایگزین یا مکملی برای همدلی در نظر بگیرند.

1. Jarmakowski-Kostrzanowski & Radkiewicz

2. Esses

3. Kteily

4. Costello

5. Joy

تعارض منافع

بدین وسیله پژوهشگران اعلام می‌دارند در انجام این کار پژوهشی هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

ملاحظات اخلاقی

داده‌های مربوط به این پژوهش به صورت بدون نام و با رضایت شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شده است و از نظر رعایت ملاحظات اخلاقی، در کمیته اخلاق دانشگاه یزد بررسی و مورد تأیید قرار گرفت.

تقدیر و تشکر

نویسندگان مراتب سپاس خود را از تمامی مشارکت‌کنندگانی که با تکمیل پرسش‌نامه در اجرای این پژوهش همکاری نمودند، ابراز می‌دارند. بدون حضور و پاسخ‌گویی داوطلبانه ایشان، انجام این مطالعه امکان‌پذیر نبود.

منابع

- صحرائی، رسول. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی رابطه نوع دین‌داری و شخصیت اقتدارطلب (پایان‌نامه)، دانشگاه تبریز. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/55c9090bf5f76c9a4bc334b6121916f8>
- صفاری نیا، مجید؛ دهستانی، مهدی و فطری، اعظم. (۱۳۹۶). اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی. *شناخت اجتماعی*، ۶(۲)، ۱۵۴-۱۴۳. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223782.1396.6.2.9.8>
- صیدی، ستار؛ احمدیان، حمزه و صفاری نیا، مجید. (۱۳۹۸). مدل ارتباط دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودکنترلی با شخصیت جامعه‌پسند با نقش واسطه‌ای همدلی عاطفی. *شناخت اجتماعی*، ۸(۲)، ۸۰-۹۰. <https://doi.org/10.30473/sc.2019.40213.2196>
- Adorno, T., Frenkel-Brunswick, E., Levinson, D., & Sanford, P. (1950). *The authoritarian personality*. New York: Harper.
- Akrami, N., Ekehammar, B., & Bergh, R. (2011). Generalized prejudice: Common and specific components. *Psychological Science*, 22(1), 57-59. <https://doi.org/10.1177/0956797610390384>
- Altemeyer, R. A. (1981). *Right-wing authoritarianism*. University of Manitoba Press.
- Awad, E., Dsouza, S., Kim, R., Schulz, J., Henrich, J., Shariff, A., ... & Rahwan, I. (2018). The moral machine experiment. *Nature*, 563(7729), 59-64. <https://doi.org/10.1038/s41586-018-0637-6>
- Banach, N., & Stel, M. (2024). Reducing Speciesism: An Intervention to Change People's Attitudes and Behavioral Intentions. *Anthrozoös*, 1-14. <https://doi.org/10.1080/08927936.2024.2345472>
- Barnett, G., & Mann, R. E. (2013). Empathy deficits and sexual offending: A model of obstacles to empathy. *Aggression and Violent Behavior*, 18, 228-239. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2012.11.010>
- Becker, J.C., Radke, H.R., & Kutlaca, M. (2019). Stopping wolves in the wild and legitimizing meat consumption: Effects of right-wing authoritarianism and social dominance on animal-related behaviors. *Group Processes & Intergroup Relations*, 22, 804 - 817. <https://doi.org/10.1177/1368430218824409>
- Bergh, R., & Brandt, M. J. (2023). Generalized Prejudice: Lessons about social power, ideological conflict, and levels of abstraction. *European Review of Social Psychology*, 34(1), 92-126. <https://doi.org/10.1080/10463283.2022.2040140>
- Braunsberger, K., Flamm, R. O., & Buckler, B. (2021). The relationship between social dominance orientation and dietary/lifestyle choices. *Sustainability*, 13(16), 8901. <https://doi.org/10.3390/su13168901>
- Caviola, L. (2019). *How we value animals: the psychology of speciesism* (Doctoral dissertation, University of Oxford). Caviola-DPhil-thesis-speciesism.pdf.
- Caviola, L., & Capraro, V. (2020). Liking but Devaluing Animals: Emotional and Deliberative Paths to Speciesism. *Social Psychological and Personality Science*, 11(8), 1080-1088. <https://doi.org/10.1177/1948550619893959>

- Caviola, L., Everett, J. A., & Faber, N. S. (2019). The moral standing of animals: Towards a psychology of speciesism. *Journal of personality and social psychology*, 116(6), 1011. <https://doi.org/10.1037/pspp0000182>
- Costello, K.; Hodson, G. (2010). Exploring the roots of dehumanization: The role of animal-human similarity in promoting immigrant humanization. *Group Processes & Intergroup Relations*, 13(1), 3-22. <https://doi.org/10.1177/1368430209347725>
- Davis, M. H. (1983). Measuring individual differences in empathy: evidence for a multidimensional approach. *Journal of personality and social psychology*, 44(1), 113. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.44.1.113>
- Dhont, K., & Hodson, G. (Eds.). (2019). *Why We Love and Exploit Animals: Bridging Insights from Academia and Advocacy* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351181440>
- Dhont, K., Hodson, G., & Leite, A. C. (2016). Common ideological roots of speciesism and generalized ethnic prejudice: The social dominance human-animal relations model (SD-HARM). *European Journal of Personality*, 30(6), 507-522. <https://doi.org/10.1002/per.2069>.
- Dhont, K., Hodson, G., Costello, K., & MacInnis, C. C. (2014). Social dominance orientation connects prejudicial human-human and human-animal relations. *Personality and Individual Differences*, 61, 105-108. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2013.12.020>
- Duckitt, J. (2001). A dual-process cognitive-motivational theory of ideology and prejudice. In *Advances in experimental social psychology* (Vol. 33, pp. 41-113). Academic Press. [https://doi.org/10.1016/S0065-2601\(01\)80004-6](https://doi.org/10.1016/S0065-2601(01)80004-6)
- Duckitt, J., & Sibley, C. G. (2007). Right wing authoritarianism, social dominance orientation and the dimensions of generalized prejudice. *European Journal of Personality: Published for the European Association of Personality Psychology*, 21(2), 113-130. <https://doi.org/10.1002/per.614>
- Duckitt, J., & Sibley, C. G. (2010). Personality, ideology, prejudice, and politics: a dual-process motivational model. *Journal of personality*, 78(6), 1861-1893. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.2010.00672.x>
- Duckitt, J., Wagner, C., du Plessis, I., & Birum, I. (2002). The psychological bases of ideology and prejudice: Testing a dual process model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(1), 75-93. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.83.1.75>
- Erlanger, A.C., & Tsytarev, S.V. (2012). The Relationship between Empathy and Personality in Undergraduate Students Attitudes toward Nonhuman Animals. *Society & Animals*, 20, 21-38. <http://dx.doi.org/10.1163/156853012X614341>
- Everett, J. A., Caviola, L., Savulescu, J., & Faber, N. S. (2019). Speciesism, generalized prejudice, and perceptions of prejudiced others. *Group Processes & Intergroup Relations*, 22(6), 785-803. <https://doi.org/10.1177/1368430218816962>.
- Filippi, M., Riccitelli, G., Falini, A., Di Salle, F., Vuilleumier, P., Comi, G., & Rocca, M. A. (2010). *The Brain Functional Networks Associated to Human and Animal Suffering Differ among Omnivores, Vegetarians and Vegans*. *PLoS ONE*, 5(5), e10847. doi:10.1371/journal.pone.0010847
- Ghorbani, N., Bing, M.N., Watson, P. J., Davison, H. K., & LeBreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: Evidence of compatibility in Iran and the United States. *Personality and Individual Differences*, 35, 431-447.
- Graça, J., Calheiros, M. M., Oliveira, A., & Milfont, T. L. (2018). Why are women less likely to support animal exploitation than men? The mediating roles of social dominance orientation and empathy. *Personality and Individual Differences*, 129, 66-69. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.03.007>
- Ho, A. K., Sidanius, J., Kteily, N., Sheehy-Skeffington, J, Pratto, F., Henkel, K. E., Foels, R., & Stewart, A. L. (2015). The nature of social dominance orientation: Theorizing and measuring preferences for intergroup inequality using the new SDO7 scale. *Journal of Personality and Social Psychology*, 109(6), 1003-1028.
- Hodson, G., & Costello, K. (2012). The human cost of devaluing animals. *New Scientist*, 216(2895), 34-35. [https://doi.org/10.1016/S0262-4079\(12\)63189-3](https://doi.org/10.1016/S0262-4079(12)63189-3)
- Hodson, G., & Esses, V. M. (2005). Lay perceptions of ethnic prejudice: Causes, solutions, and individual differences. *European Journal of Social Psychology*, 35(3), 329-344. <https://doi.org/10.1002/ejsp.251>
- Hodson, G., MacInnis, C. C., & Costello, K. (2013). (Over) valuing "humanness" as an aggravator of intergroup prejudices and discrimination. In *Humanness and dehumanization* (pp. 86-110). Psychology Press. eBook ISBN 9780203110539

- Jackson, L. M. (2019). Speciesism predicts prejudice against low-status and hierarchy-attenuating human groups. *Anthrozoös*, 32(4), 445-458. <https://doi.org/10.1080/08927936.2019.1621514>
- Jackson, L. M., & Gibbings, A. (2016). Social dominance and legitimizing myths about animal use. *Anthrozoös*, 29(1), 151-160. <https://doi.org/10.1080/08927936.2015.1082771>
- Jaeger, B. (2023). Prejudice across species lines: Generalized prejudice predicts attitudes, emotions, and behaviors towards animal exploitation. <https://doi.org/10.31234/osf.io/cpvz5>
- Jarmakowski-Kostrzanowski, T., & Radkiewicz, P. (2021). Social dominance orientation predicts lower moral condemnation of causing harm to animals. *Current Issues in Personality Psychology*, 9(3), 229. <https://doi.org/10.5114/cipp.2021.105732>
- Joy, M. (2020). *Why we love dogs, eat pigs, and wear cows*. Red Wheel.
- Kohn, P. M. (1972). The Authoritarianism-Rebellion Scale: A balanced F Scale with left-wing reversals. *Sociometry*, 35(1), 176-189. <https://doi.org/10.2307/2786557>
- Kteily, N., Ho, A. K., & Sidanius, J. (2012). Hierarchy in the mind: The predictive power of social dominance orientation across social contexts and domains. *Journal of Experimental Social Psychology*, 48(2), 543-549. <https://doi.org/10.1016/j.jesp.2011.11.007>
- Leite, A. C., Dhont, K., & Hodson, G. (2019). Longitudinal effects of human supremacy beliefs and vegetarianism threat on moral exclusion (vs. inclusion) of animals. *European Journal of Social Psychology*, 49(1), 179-189. <https://doi.org/10.1002/ejsp.2497>
- McFarland, S. (2010). Authoritarianism, social dominance, and other roots of generalized prejudice. *Political Psychology*, 31(3), 453-477. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9221.2010.00765.x>
- Nicol, A. A. M., & Rounding, K. (2013). Alienation and empathy as mediators of the relation between social dominance orientation, right-wing authoritarianism and expressions of racism and sexism. *Personality and Individual Differences*, 55(3), 294-299. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2013.03.009>
- Pajović, D. (2021). *Generalized Prejudice Reduction: Speciesism, Sexism and Racism: What if We Can Diminish Them All by Tackling Just One?* (Master's thesis, ISCTE-Instituto Universitario de Lisboa (Portugal)). <https://www.proquest.com/openview>.
- Petrinovich, L., O'Neill, P., & Jorgensen, M. (1993). An empirical study of moral intuitions: Toward an evolutionary ethics. *Journal of personality and social psychology*, 64(3), 467. <http://dx.doi.org/10.1037/0022-3514.64.3.467>.
- Ryder, R. D. (2010). Speciesism again: The original leaflet. *Critical Society*, 2(1), 2. Speciesism-Again-the-original-leaflet-Richard-Ryder.pdf.
- Salmen, A., & Dhont, K. (2023). Animalizing women and feminizing (vegan) men: The psychological intersections of sexism, speciesism, meat, and masculinity. *Social and Personality Psychology Compass*, 17(2), e12717. <https://doi.org/10.1111/spc3.12717>
- Sidanius, J. & Pratto, F. (1999). Social dominance theory. *Handbook of theories of social psychology*, 2.
- Stone A. (2023). The relationship between attitudes to human rights and to animal rights is partially mediated by empathy. *The Journal of social psychology*, 163(3), 367-380. <https://doi.org/10.1080/00224545.2022.2140024>
- Taylor, N., & Signal, T.D. (2005). Empathy and attitudes to animals. *Anthrozoös: A Multidisciplinary Journal of The Interactions of People & Animals*, 18(1), 18-27. doi:10.2752/089279305785594342
- Topolski, R., Weaver, J. N., Martin, Z., & McCoy, J. (2013). Choosing between the emotional dog and the rational pal: A moral dilemma with a tail. *Anthrozoös*, 26(2), 253-263. <http://dx.doi.org/10.2752/175303713X13636846944321>.
- Vezirian, K & Bègue, L (2023) The Gender Gap in Animal Experimentation Support: The Mediating Roles of Empathy and Speciesism, *Anthrozoös*. DOI: 10.1080/08927936.2023.2243739
- Wollast, R., Lüders, A., Nugier, A., Khamzina, K., de la Sablonnière, R., & Guimond, S. (2023). Social dominance and anti-immigrant prejudice: A cross-national and prospective test of the mediating role of assimilation, multiculturalism, colour blindness, and interculturalism. *European Journal of Social Psychology*, 53(1), 167-182. <https://doi.org/10.1002/ejsp.2895>